

خلاصه الاشعار، از نگاهی دیگر (اوضاع فرهنگی و اجتماعی کاشان در سده دهم)

علی میرانصاری*

خلاصه الأشعار و زبدة الأفكار (بخش کاشان) / تألیف میر تقی‌الدین کاشانی؛ به کوشش عبدالعلی ادیب برومند و محمدحسین نصیری کهنمویی. - تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۸۴.

چکیده

تذکره خلاصه الاشعار و زبدة الأفكار میر تقی‌الدین کاشانی (زنده در ۱۰۱۶ ه. ق) در ارائه تصویر اوضاع فرهنگی، اجتماعی و ادبی کاشان در سده دهم هجری از اهمیت برخوردار است. نگارنده در این گفتار از لابلای شرح حال شعرای مذکور در این کتاب، آگاهی‌هایی درباره فضای فرهنگی و اجتماعی کاشان به دست داده و این مطالب را بررسی کرده است: ۱. انجمن‌های ادبی ۲. پیشه‌وران ۳. هنر ۴. حرفه‌های مربوط به کتاب و کتابت ۵. مراکز آموزشی ۶. جنبش‌های فکری و اجتماعی

کلید واژه: خلاصه الاشعار و زبدة الأفكار، تقی‌الدین کاشانی، اوضاع اجتماعی و فرهنگی کاشان.

اگر تذکره باب الالباب عوفی را به عنوان نخستین تذکره موجود فارسی به شمار آوریم، باید سده هفتم را آغاز سنت تذکره‌نویسی در ادبیات فارسی محسوب کنیم. سنتی که تا عصر حاضر و با تدوین آثار چون نامه‌فرهنگیان از عبرت نائینی ادامه یافته

*. پژوهشگر مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، بخش ادبیات.

است. در نیمه راه این مسیر تقریباً هشتصد ساله، تذکره خلاصه اشعار قرار دارد که در اواخر سده نهم به همت تقی‌الدین کاشی تدوین شده است. در این دوره دهها تذکره دیگر تألیف شد که بسیاری از آنها توانسته‌اند جایگاه خود را در گنجینه ادب فارسی تثبیت کنند. آثارى مانند: تذکره الشعراء دولت‌شاه سمرقندی، تحفه سامی، هفت اقلیم، مجالس النفايس فخری هروی، تذکره میخانه عبدالنبي فخرالزمانی، تذکره نصرآبادی، عرفات العاشقین، تذکره المعاصرین حزین لاهیجی، سفینه خوشگو و مجمع الفصحاء. این تذکره‌ها به لحاظ تنظیم، تدوین و تبویب، دارای اشکال گوناگونی هستند. برخی از آنان، ویژه یک شهر و یا یک منطقه است؛ مانند مرآة الفصاحة از داور شیرازی (درباره شاعران فارس)، تذکره شعرای اصفهان از مؤلفی ناشناخته، و تذکره شعرای قم از مهدی فیض. دیگر تذکره‌ها، تنها بخشی از حجم خود را به یک شهر، منطقه و یا اقلیم خاص اختصاص داده و رنگ و بوی یک تذکره محلی را به خود گرفته‌اند. تذکره هفت اقلیم از امین احمد رازی و تذکره خلاصه اشعار از این گونه آثار است.

این گونه آثار یعنی تذکره‌های محلی را می‌توان با دو نگاه متفاوت نگریست. نگاه اول آن است که این دسته آثار را به عنوان یک مجموعه ادبی - تاریخی محض به شمار آورد و برای آگاهی از احوال یک شاعر و یا گزیده آثارشان بدان‌ها مراجعه کرد، اما نگاه دیگر آن است که این تذکره‌ها را به عنوان یک اثر ادبی و اجتماعی به حساب آورد و به دنبال آن بود که از لابلاي تراجم احوال و گزیده آثار شاعران به اطلاعاتی در باب روابط علمی، فرهنگی، ادبی و نیز ویژگی‌های زبانی شهر و یا منطقه‌ای خاص دست یافت.

به جرأت می‌توان گفت یکی از بهترین تحقیقاتی که از نگاه دیگر به این گونه آثار نگریسته شده، مقاله‌ای است با عنوان «نام‌های خاص ایرانی در کتاب القند فی ذکر علماء سمرقند» به قلم مرحوم دکتر احمد تفضلی، که در نامه فرهنگستان^۱ به چاپ رسیده است. با وجود آن که کتاب القند در شمار تذکره‌های فارسی نیست و به عالمان حدیث در خراسان بزرگ مربوط می‌شود، ولی مرحوم دکتر تفضلی بدون عنایت به موضوع اصلی کتاب، به گردآوری نام‌های ایرانی و ویژگی‌های زبانی سمرقند، از لابلاي تراجم محدثان بزرگ خراسان پرداخته است. اینجانب نیز با همین نگاه و روش، مقاله‌ای به نام «نهادهای آموزشی سمرقند بر پایه کتاب القند» دارد که در آن، به محل‌هایی که عالمان سمرقند حلقه درس خود را بر پا می‌داشتند، پرداخته است. محل‌هایی مانند: مساجد، رباط‌ها، دکان و راقان، مدارس و خانقاه‌ها.^۲

نگارنده در این بحث به دنبال آن است تا از «نگاهی دیگر» به تذکره خلاصه الاشعار نظری بیفکند تا بتواند تصویری از اوضاع فرهنگی و ادبی شهر کاشان در سده دهم ترسیم نماید؛ هر چند اینجانب واقف است که التزام تقی‌الدین کاشی به رعایت سجع و دیگر صنایع بدیعی، وی را به رعایت امساک در ارائه اطلاعات کافی پیرامون روابط ادبی و فرهنگی شهر کاشان واداشته، موضوعی که سبب گردیده است تصویر کاشان در سده دهم، کم رنگ جلوه کند. با این وصف، آگاهی‌های زیر درباره فضای فرهنگی و اجتماعی کاشان، از لابلاي ترجمه ۵۵ شاعر در تذکره خلاصه الاشعار دیده می‌شود:

۱. انجمن‌های ادبی:

تقی‌الدین کاشی به طور مستقیم، مطلبی درباره انجمن‌های ادبی کاشان بیان نداشته است، اما اشاره‌های پراکنده‌ای در این تذکره دیده می‌شود که نشان می‌دهد شاعران این شهر در سده نهم و دهم، جلسات و نشست‌های ادبی با یکدیگر داشته‌اند و دست کم نقد شعر که از آن با عنوان «شعر سنجی» (ص ۱۰۳)^۳ یاد می‌شد، از مهمترین موضوعات این جلسات بوده است. تعبیراتی که تقی‌الدین برای اشاره به این انجمن‌ها داشته، عبارتند از: «صحبت موزونان»، «صحبت خوش طبعان»، «جمعیت خوش فهمان»، «جریده سخن سرایان»، «صحبت موزونان و خوش طبعان»، «ضیافت صلحاء و شعراء»، «مخالطت با شعرا و خوش طبعان»، «مجلس شعر و فصاحت و بلاغت»، «صحبت با شعراء و خوش طبعان». مانند:

- «پسر میرزا جلال حکیم... به واسطه میل به شاعری و توجه به صحبت موزونان و خوش طبعان و رعایت این طایفه بلیغ بیان، خود را به وادی شاعری و شعرسنجی آورد» (۱۰۳)

- «میرزا ابوطالب... به امر شعربافی اوقات صرف می‌نمود و از حاصل آن بعد از لابّد و ضروریات، ضیافت‌های به قاعده می‌کرد و صلحا و شعرا را نوازش می‌فرمود» (ص ۱۴۹).

- «فرزند ابوتراب بیگ... گاهی به سبب موزونیت ذاتی و مخالطت موزونان، به گفتن شعر توجه می‌نمود» (ص ۲۳۳).

- «رکن‌الدین مسعود... مقدمات هر علمی را به اسهل وجهی و اندک زمانی به نظر تأمل دید، اما هیچ کدام را از آنها به سبب مخالطت با شعراء و خوش طبعان ملکه خود نساخت» (۲۶۹).

- «میر یعقوبی... در مجلسی که سخن از وادی شعر و فصاحت و بلاغت این طایفه - یعنی شاعران - می‌گذشت، نام از شعر و حالت شاعری خود نمی‌برد» (ص ۲۷۳).

- «جمال الدین محمد... با شعرای زمان و خوش فهمان دوران به کثرت صحبت و کمال میرّت زندگانی می‌گذراند» (ص ۲۷۷).

- «شجاع‌الدین غضنفر... در اوایل جوانی که قدم در طریق شعر و شاعری نهاده تا حال که سنّ شریفش به شصت سال رسیده، در صحبت شعراء و خوش طبعان بسر برده... و مدّت بیست سال است که او را در میان شعراء و متقدمان می‌بینم» (صص ۳۳۳ - ۳۳۴).

- «حیدر ذهنی... هیچ وقت صحبت خوش طبعان را از دست نداد» (ص ۴۶۹).

- «همدمی... هر هفته و هر ماه، غزلی از دیوان خود بیرون می‌نوشت و به یاران می‌خواند که تازه واقع شده تا از جریده سخن سرایان بیرون نباشد... علی‌الاصح بر سر او جمعیتی می‌شد و خوش فهمان میل مخالطتش داشتند» (صص ۶۴۹ - ۶۵۰).

به طور طبیعی این سؤالات پیش می‌آید که جلسات این «سخن سرایان» و به تعبیر امروزی، انجمن شاعران، کجا تشکیل می‌شده؟ چه کسی و یا کسانی مجلس‌آرای این محافل بوده‌اند؟ چه کسی بر این مجالس نظارت می‌کرد و چه مباحثی در این جلسات مطرح می‌شد؟ با اتکا به تذکره تقی‌الدین، پاسخ هیچ یک از این سؤالات دانسته نمی‌شود؛ مگر محلّ برگزاری یکی از این جلسات، از ترجمه میرزا ابوطالب (ص ۱۹۴) دریافت می‌گردد که یکی از اماکنی که «مجالس سخن» در آنها تشکیل می‌شد؛ منازل اهل شعر و ذوق بوده است.

۲. پیشه‌وران:

از لابلای تراجم شاعران، می‌توان بسیاری از پیشه‌هایی را که در کاشان سده دهم رواج داشت، شناخت. پیشه‌هایی مانند بزّازی، کرباس فروشی، شَعربافی، خِیاطی، سقّایی، زراعت، خرده‌فروشی، بقالی، متقال‌بافی، کفش دوزی و دباغی که در این میان مشاغل مربوط به صنعت نساجی مانند شَعربافی، پنبه‌فروشی، کرباس فروشی و متقال‌بافی از بسامد بیشتری برخوردار بود. تقی‌الدین تنها یک بار به راسته‌ای در بازار کاشان اشاره می‌کند و آن، راسته قَطّانان و کرباس‌فروشان است (ص ۵۰۸). او درباره مالیات بستن بر صِنفِ شَعربافان اطلاعاتی درخور دارد (ص ۱۰۰). این اطلاعات برای کسانی که درباره روابط اقتصادی ایران در دوره صفویه تحقیق می‌کنند، می‌تواند مفید

باشد. در همین جا باید اشاره کرد که برخی از پیشه‌ورانِ کاشان که از تمکن بیشتری برخوردار بوده‌اند (مانند: گلشنی شاعر و پدر جلال الدین مسعود) با مراکز تجاری در هند و آسیای صغیر (مشخصاً استانبول) ارتباط تجاری داشته‌اند (صص ۶۰۹ - ۶۶۱). متذکر می‌گردد، بسیاری از شاعرانی که در این تذکره معرفی شده‌اند، در ابتدای پرداختن به شعر و یا در طول دوره شاعری خود، صاحب مشاغلی بوده‌اند. این سخن بدین معنی است که درآمد ایشان، فقط از «سخن‌سرائی» نبوده است، بلکه آنها معاش خود را از حرفه‌هایی که در بالا بدان‌ها اشاره شد، کسب می‌کردند (نگاه کنید به: صص ۱۰۰، ۱۹۴، ۲۷۲، ۲۷۷، ۳۷۰، ۳۷۱، ۴۶۱، ۴۹۸، ۵۱۹، ۵۲۶، ۵۶۸، ۵۷۸، ۶۱۲، ۶۴۹، ۶۵۷، ۶۵۸).

۳. هنر:

از میان اقسام هنر، آنچه که بیش از همه مورد توجه فرهیختگان این شهر می‌بود، عبارتند از: موسیقی، خوش‌نویسی، تذهیب و نقاشی. در این میان، شاعران به موسیقی توجه ویژه داشتند. چنانکه برخی از ایشان تنها به طور نظری با این هنر آشنا بودند، و برخی دیگر هم نه تنها از تئوری این فن آگاه بودند، بلکه با چیره‌دستی نواختن برخی از آلات موسیقی را می‌دانستند. مثلاً میرزا حسابی، فرزند میرزا جلال حکیم، با ادوار موسیقی آشنا بود (صص ۷۸، ۱۰۳، ۵۹۶ - ۵۹۷) و سالم کاشانی هم در کنار آگاهی از موسیقی، با خوش‌نویسی و تذهیب آشنایی داشته است (صص ۵۹۶ - ۵۹۷).

در این میان شاعری به نام افضل دو تازی در کاشان زندگی می‌کرد که نه تنها با ادوار موسیقی آشنا بود، بلکه به خوبی به اجرای آواز می‌پرداخت. او دو تار و چهار تار را نیز آنچنان استادانه می‌نواخت که به «دوتازی» مشهور شد (صص ۴۵۶ - ۴۵۷). در این دوره، محافلی هم برای تعلیم موسیقی بر پا شده بود. تقی‌الدین به یکی از آنها یعنی درس حسابی اشاره دارد که از جمله شاگردان او، افضل دوتازی بوده است. (صص ۴۵۶). در زمینه آواز، نباید حضور سه مرثیه‌خوان معروف دوره صفوی را که در کاشان زندگی می‌کردند، فراموش کرد. این سه نفر (که القابشان نشان از ارتباط آنها با موسیقی دارد)^۴ عبارتند از: حافظ محمد جان کاشی، حافظ سلطان محمد علوی و ملاعلی تن ادواری. ایشان با میرزا ابوطالب شاعر آشنایی داشتند و به اشاره او در ایام سوگواری به مرثیه‌خوانی می‌پرداختند (صص ۱۹۲).

در باب خوش‌نویسی، امیر معزالدین محمد، شهره عالم بود، چنانکه تقی‌الدین

آورده است: «سلاطین صاحب تمکین از اقصی بلاد عالم بالقصد، رسولان به دارالمؤمنین کاشان فرستاده، مُرَقَّعاتِ معجز آیتش را می طلبند» (۶۵). دیگر شاعران خوش نویس کاشان عبارتند از: رکن الدین مسعود، فرزند ابوتراب بیگ، غضنفر کاشی و قانعی (صص ۱۱۰، ۱۱۱، ۲۳۳، ۶۱۲، ۷۲۰). این قانعی، مجلس تعلیم خط نیز داشت و شاگردانی مانند امیر معزالدین محمد، از دست پروردگان اوست (همانجا).

۴. حرفه‌های مربوط به کتاب و کتابت:

در کاشان قرن دهم، حرفه‌های مربوط به کتاب و کتابت رونق فراوان داشت و معاش بسیاری، از جمله شاعران را تأمین می‌کرده است. حرفه‌هایی مانند: کتاب‌فروشی، صحافی، وِزّاقی، کاغذسازی، کتابداری و کتابتِ کُتُبِ علمی. تقی‌الدین کاشی اشاره‌ای ندارد که این مشاغل در سطح شهر پراکنده بوده و یا آنکه در بازار بوده‌اند و آیا در بازار (مانند شهر سمرقند) راسته مستقلی داشته‌اند؟

تقی‌الدین در ترجمه احوال رضائی از شاعران همین دوره می‌نویسد که او در مدرسه امام‌زاده حبیب بن موسی، از راه کتابتِ کُتُبِ علمی و تفسیر، روزگار می‌گذراند (ص ۳۹۵). شغل مقصود، شاعر این دوره هم، فروش کتاب بوده است. تقی‌الدین درباره او آورده است: «مقصود... در ابتدای صبا به کسب خرده‌فروشی، به سبب ارث مشغول بود. بعد از آن به اندک مدتی به واسطه مجالستِ ارباب علم، به کتاب‌فروشی رجوع نمود» (ص ۴۸۰). آشنایی مقصود با امر کتاب و تجربه‌ای که وی از این راه اندوخته بود، سبب گردید، زمانی که صدرالدین محمد واعظ شیرازی (پدر امیر غیاث‌الدین) به کاشان آمده بود، مدت چهار سال به عنوان کتابدار وی مشغول به کار گردد» (همانجا). در این دوره، صحافی از جمله صناعات کاشان بوده است. تقی‌الدین کاشی در ترجمه احوال مردمی شاعر آورده است: «او به واسطه آن که پدرش از ارباب صنعت بود، مشارالیه به کسب صحافی اوقات می‌گذراند» (ص ۵۷۶). این مرد پس از کسب علوم معقول و منقول مدتی به شغل قضاوت روی آورد: «در قریه نیاسر بر مسند قضا و حکومت امور شرعیه متمکن بود... لیکن چون نفع تمامی به مشارالیه نمی‌رسید، از آن منصب باز ایستاد و به کسب صحافی رجوع نمود» (همانجا). وِزّاقی و کاغذسازی از دیگر مشاغل مربوط به کتاب بود که در کاشان رواج داشت و عبدل ساکنی یکی از شاعران پیش از تقی‌الدین، بدان اشتغال داشت (ص ۶۹۸).

۵. مراکز آموزشی:

انتظار می‌رفت در این تذکره، از مدارس علمیه، حلقه‌های درس و نیز روابط آموزشی سخنی به میان آید، ولی تقی‌الدین جز در مواردی بسیار پراکنده، در این باب سکوت کرده است. از همین اشارات کوتاه دریافت می‌شود که این‌گونه مراکز، در مدارس و یا در مکان‌های غیر رسمی، مانند منزل یک استاد بوده است. اشارات پراکنده تقی‌الدین مربوط است به: حلقه درس ابوالحسن ایبوردی که در کاشان تشکیل می‌شد. یکی از شاگردان او ضیاءالدین محمد از شاعران کاشان بود. این ضیاءالدین بعداً خودش حلقه درسی در منزلش تشکیل داد که مدت بیست سال ادامه داشت. (صص ۹۳ - ۹۴). شجاع‌الدین غضنفر از دیگر شاعران کاشان نیز در یک مدرسه علمیه سکونت داشت و به عنوان طلبه این مدرسه از همان جا وظیفه و راتبه دریافت می‌کرد (صص ۳۳۳ - ۳۳۴).

در این مراکز، تنها علوم معقول و منقول تدریس نمی‌شد، بلکه آموزش هنر، جایگاه خودش را داشته است. از باب مثال، عبدالغفار سالم که در کنار سرودن شعر، در خوش‌نویسی، تذهیب، نقاشی و موسیقی سرآمد بود، در محلی نزدیک به منزلش، حلقه درس خود را تشکیل می‌داد و به تعلیم هنرهای یاد شده می‌پرداخت (ص ۵۹۶). و قانعی خوش‌نویس، در جایی دیگر «مجلس تعلیم خط» داشت و به تربیت کسانی از جمله خوش‌نویس معروف این دوره، یعنی امیرمعزالدین محمد می‌پرداخت (ص ۷۲۰). حسابی شاعر هم به آموزش موسیقی می‌پرداخت و علاقه‌مندان به این هنر را تربیت می‌کرد که افضل دوتاری از شاگردان برجسته اوست (ص ۴۵۶).

۶. جنبش‌های فکری و اجتماعی:

یکی از مهم‌ترین حرکت‌های فکری و اجتماعی در ایران، جنبش نقطویان است که در سده‌های نهم و دهم ظاهر شد و تقریباً تا یکصد و پنجاه سال ادامه یافت. این جنبش در سال ۱۰۰۲ ق با کشته شدن سیداحمد کاشانی به دست شاه عباس، آسیب جدی دید. از مراکز مهم این جنبش، شهر کاشان و مناطق اطراف آن یعنی بخش‌های فین و آران بود. تقی‌الدین اشاراتی پراکنده به این جنبش دارد و گاه نیز به معرفی شاعران پیرو این تفکر می‌پردازد. شاعرانی مانند: موحدالدین فهمی، نگاهی آرانی، حیاتی کاشانی، میر تشبیهی، بیغمی و افضل دوتاری (صص ۲۹۲، ۳۲۵، ۴۵۶ - ۴۵۷، ۴۹۸، ۶۹۳ - ۶۹۴).

۶۹۴). با وجود آنکه این اطلاعات به طور مختصر در خلاصه‌الاشعار آمده است، ولی به خودی خود این تذکره را به یکی از منابع قابل اتکا در زمینه بررسی این حرکت فکری مبدل ساخته است. در هر صورت، این موضوع که چرا چنین جنبشی در منطقه کاشان ظهور کرده است، موضوعی قابل تأمل است که باید مستقلاً بدان پرداخت.

نتیجه:

با توجه به آنچه گفته شد و با عنایت به چهار عامل زیر، یعنی:

۱. رونق پیشه‌وری در کاشان و ارتباط تجاری این شهر با مناطق خارج از ایران،
 ۲. کثرت هنرمندان به ویژه موسیقی‌دانان در کاشان و نیز محافل تدریس موسیقی، تذهیب و نقاشی در این شهر،
 ۳. وفور شاعران پارسی‌گوی و نیز انجمن‌های ادبی در کاشان،
 ۴. ظهور نقطویان در کاشان، به عنوان یک جنبش فکری و اجتماعی مخالف با نظام فکری جامعه،
- می‌توان چنین پنداشت که کاشان سده دهم، از نظر اقتصادی، پویا، به لحاظ روحیه اجتماعی، پرنشاط، از نظر ذوقی، زنده و فعال و به لحاظ اجتماعی، دارای ظرفیت بالایی بوده است.

پی‌نوشت‌ها:

۱. نامه فرهنگستان، س اول، (۱۳۷۴): ۵/۳ - ۱۳ - ۴ - ۱۱.
۲. نگاه کنید به: درخت معرفت (جشن نامه استاد دکتر عبدالحسین زرین‌کوب)، به اهتمام علی‌اصغر محمدخانی، تهران، ۱۳۷۶، ص ۵۶۳ - ۵۷۵.
۳. تمامی ارجاعات داخل پرانتز در متن مقاله، مربوط است به کتاب خلاصه‌الاشعار، به کوشش عبدالعلی ادیب برومند و محمدحسین نصیری کهنمویی، تهران، مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۸۴ ش.
۴. برای آگاهی درباره القاب موسیقی‌دانان دوره صفوی، نگاه کنید به تاریخ ادبیات ایران، ادوارد براون، ترجمه غلامرضا رشید یاسمی، تهران، (۱۳۴۵): ۱۰۴/۴ - ۱۰۵.